

چگونگی آشنایی زیدیه با نهج البلاغه و تأثیرات علمی متقابل

مصطفی سلطانی^۱

محمد افشاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

چکیده

نهج البلاغه مقدس‌ترین متن دینی شیعه پس از قرآن کریم، و از جمله منابع حدیثی است که نزد برخی از اهل تسنن نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. زیدیه به دلیل اهمیت و جایگاه شخصیت امام علی علیه السلام به عنوان یکی از نمادهای برجسته برای زیدیان، اهتمام بسیار بالایی نسبت به روایت، قرائت و سماع نهج البلاغه داشتند. بر همین اساس نوشتار حاضر، به تحقیق و بررسی چگونگی آشنایی زیدیان ایران و یمن با نهج البلاغه و تأثیرات علمی متقابل آنان می‌پردازد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، زیدیان ایران از طریق همزیستی با شیعیان و امامان معصوم علیهم السلام و مجاورت با عالمان شیعه با نهج البلاغه آشنا شده‌اند. اما آشنایی زیدیان یمن با این اثر از طریق مهاجرت عالمان زیدی طبرستان به یمن و دست‌یابی به نسخ نیشابوری می‌باشد. عنایت به سیره عالمان زیدی در اثبات جایگاه علمی ویژه برای مبدأ نهج البلاغه، اهتمام به نقل و استنساخ، تألیف شروح و... نمونه‌هایی از خدمات علمی آنان نسبت به نهج البلاغه می‌باشد. بهره‌وری علمای زیدی از کلام حضرت و نهج البلاغه در علم کلام، فقه و اخلاق و الگوپذیری از نهج البلاغه در متون ادبی را می‌توان از جمله تأثیرات نهج البلاغه در تراث علمی زیدیه دانست.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، زیدیه، امام علی علیه السلام، طرق نقل، شروح، تأثیرات علمی.

۱. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب. proman.ms@gmail.com

۲. دانش‌پژوه سطح چهار تاریخ و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام.

Mohammadafshari213@gmail.com

مقدمه

نهج البلاغه، برجسته‌ترین متن ادبی عربی پس از قرآن کریم است که نزد شیعیان از قداستی خاص برخوردار است. در ادبیات دینی شیعه، از این اثر مقدس به «أخ القرآن» تعبیر می‌شود. آگاهی از میراث مکتوب زیدیه برای کسانی که در حوزه نهج البلاغه و امام علی علیه السلام پژوهش می‌کنند از جهات متعدد ضروری و سودمند است. جهاتی چون دست‌یابی به احادیثی از امام که فقط از طریق زیدیه روایت شده است، دستیابی به مصادر نهج البلاغه در منابع کهن زیدیه که پیش از سید رضی نگاشته شده است، دستیابی به متون مرسل نهج البلاغه به صورت مسند و گاه با چندین اسناد، آگاهی از روایت‌های گوناگون متون نهج البلاغه و اختلاف معنادار نسخه‌ای. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای در پی یافتن پاسخ این مسائل است که آشنایی زیدیان ایران و یمن با نهج البلاغه چگونه بوده است؟ زیدیان چه فعالیت‌های علمی‌ای در رابطه با نهج البلاغه داشته‌اند؟ تراث علمی زیدیه به چه میزان از نهج البلاغه تاثیر پذیرفته است؟ پژوهش‌های اندکی در رابطه با روایت نهج البلاغه در میان زیدیه صورت گرفته است، از جمله سه مقاله «نسخه‌های نیشابوری نهج البلاغه» و «نویافته‌هایی در باره چند شرح کهن» و «میراث فرهنگی زیدیان ایران و انتقال آن به یمن» تألیف دکتر محمد کاظم رحمتی، مقاله «مناسبات علمی و فرهنگی امامیه و زیدیه» تألیف دکتر محمد دهقانی. همچنین پایان‌نامه‌ای با عنوان «ارزیابی و روش‌شناسی ال‌دیباچ الوضی فی الکشف عن اسرار کلام الوصی» توسط علی خنیفرزاده در مقطع کارشناسی ارشد نوشته شده است. هیچکدام از این پژوهش‌ها به صورت مستقل و مفصل به چگونگی آشنایی و تأثیرات علمی متقابل زیدیان و نهج البلاغه پرداخته‌اند بلکه نوعاً به نسخه‌شناسی نهج البلاغه یا به صورت کلی به میراث زیدیه پرداخته‌اند.

۱. آشنایی زیدیان با نهج البلاغه

آشنایی عالمان زیدیه با نهج البلاغه را با توجه به جغرافیای مذهبی فرقه زیدیه می‌توان در دو مرحله بررسی کرد:

۱-۱. زیدیان ایران

با توجه به شکل‌گیری فرقه زیدیه در کوفه، بعد از شهادت زید بن علی در سال ۱۲۲

هجری مهاجرت زیدیان به ایران شروع گردید. اقامت آنان در ری و خراسان، تشکیل حکومت در دیلم در نیمه قرن سوم و حاکمیت تفکر شیعی در این مناطق، همزیستی آنان از ابتدا با شیعیان و همجواری آنان با عالمان امامیه از علل آشنایی زیدیان ایران با کلام امام علی علیه السلام می توان نام برد.

یکی از سبک های خاص متداول در مراکز علمی زیدیان نواحی خزری، شکل حاشیه نویسی یا تعلیقه نویسی آنها می باشد که با کشیدن خطی از حاشیه و وصل آن به کلمه ای در نسخه خطی و نگارش مطالبی در حاشیه و اطراف نسخه ها بوده است. توجه به این سبک در نسخ خطی این امکان را به ما می دهد تا با شناسایی برخی از نسخه های نهج البلاغه که چنین شیوه ای را نشان می دهند، به این نتیجه برسیم که زیدیان نواحی خزر با نهج البلاغه آشنا بوده اند، زیرا حاشیه نویسی و تعلیقه نویسی در این نسخ از نهج البلاغه متأثر از سبک نیشابوری بوده است؛ چرا که این سبک در نیشابور نیز به ثبت رسیده است (رحمتی، ۱۳۸۸: ۲۱۳-۲۲۱).

دلیل بر این مدعا وجود نسخه هایی (نسخه شماره ۱۵۴ و نسخه ۱۲۴۵۲) در کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی در میان نسخه های خطی موجود می باشد که به سبک نسخه های زیدی نیشابوری، تعلیقه نویسی شده است. این نسخ نفیس متعلق به قرن ششم به بعد است و این نشان از تداول نهج البلاغه در میان زیدیان ایران از قرن ششم به بعد دارد.

به نظر می رسد زیدیان طبرستان از طریق حسن بن علی جوینی یکی از شاگردان سید رضی در نیشابور، با نهج البلاغه آشنا بوده اند. وی عموی یکی از سادات بنام نیشابور، یحیی بن اسماعیل حسینی (قرن ششم)، بوده است (ابراهیم بن قاسم، ۱۴۲۱: ۱۲۰۹/۳). از جمله آثاری که یحیی بن اسماعیل به روایت از عموی خود، جوینی، روایت کرده، نهج البلاغه است که جوینی آن را به روایت از سید رضی در ثبت خود داشته است (الشوکانی، ۱۴۲۰: ۲۴۹).

با توجه به ترجمه افندی، ابوزید کیابکی از جمله راویان سید رضی و از جمله ناقلان نهج البلاغه طبرستان است. او در زمره زیدیان متأخر در منطقه گیل قرار داشت. دلیل ما بر این مدعا این است که در اسناد روایت شده از او، دو سلسله ذیل قابل توجه است:

۱. ابوزید حسین بن احمد بن عیسی بن علی بن حسین بن اصغر بن امام زین العابدین که پدرش جد سلسله آل کیا حسنی در مازندران بود؛ ۲. سید حسن کیا بن قاسم بن محمد حسنی (افندی، ۱۴۰۱ق: ۳۰۱/۱ و مرعشی، ۱۳۶۴ش: ۱۴) که طبق این اسناد او از سلسله آل

کیا مازندران می‌باشد که از سده هفتم تا سده دهم، از رهبران تفکر زیدیه در دیلم و گیل بوده است.

۲-۱. زیدیان یمن

زیدیان یمن در ابتدا از طریق عده‌ای از طرفداران الهادی الی الحق از مردم گیل با میراث علمی زیدیان ایران آشنا شدند، که مبلغ تفکرات او بودند، و از منطقه گیل، نیروهای تربیت‌شده‌ای را برای یاری هادی به یمن می‌فرستادند. این گروه در تاریخ تعامل اهل گیل با یمنی‌ها به «مهاجرین» مشهور شدند؛ زیرا به سوی هادی مهاجرت می‌کردند (علوی، ۱۴۲۴ق: ۳۶؛ محلی، ۱۴۲۱ق: ۲۸۰/۲) برای نمونه علی بن عباس بن ابراهیم بن علی بن عبدالرحمن بن قاسم بن حسن بن زید بن حسن السیط (م. ۳۴۰ق) از جمله مهاجران دیلمی به یمن بود که حامل علوم ناصری به یمن و منتقل‌کننده علوم هادوی از یمن به ایران بود (هارونی، ۱۴۲۲ق: ۱۸ - ۱۹).

باید افزود که زیدیان یمن به دلیل ارتباطی که با زیدیان طبرستان داشتند، در اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم، بر اساس نسخه‌های نیشابوری با نهج‌البلاغه آشنا شدند. آشنایی آنان با نسخه‌های نیشابوری به مهاجرت دو تن از شاگردان یحیی بن اسماعیل حسینی، به نام عمرو بن جمیل نهدی (م. ۶۰۶ق) و احمد بن زید حاجی بیهقی برونقی (م. ۵۶۶ق) به یمن بر میگردد. آن دو نفر بر اساس اجازه‌ای که از استاد خود داشتند به روایت نهج‌البلاغه پرداختند (حسینی مؤیدی، ۱۴۱۴ق: ۱/۴۵۳-۴۵۴). زیدیان اوایل سده هفتم قمری در یمن، همراه نسخه نیشابوری نهج‌البلاغه، با شرحی از آن موسوم به *أعلام نهج‌البلاغه* متعلق به نویسنده‌ای امامی مذهب به نام صدرالدین سرخسی نیز آشنا شدند که این آشنایی بر اساس روایت این شرح توسط شاگردان یحیی بن اسماعیل حسینی صورت گرفت (رحمتی، ۱۳۸۳: ۸۴). استناد به *أعلام نهج‌البلاغه* از همان زمان نیز در میان زیدیان معمول بوده است؛ چنان‌که المؤید بالله، یحیی بن حمزه در کتاب *الدیاج الوضی فی الکشف عن اسرار الوصی* که شرحی زیدی بر نهج‌البلاغه است، به این کتاب استناد می‌کند (علوی حسینی، ۱۴۲۴ق: ۲۱۵/۱).

یکی از مهاجران به یمن، مرتضی بن سرائنگ مرعشی (م. پس از ۶۱۴ق) بوده است. که او از مهم‌ترین راویان نهج‌البلاغه در یمن از عمرو بن جمیل نهدی و احمد بن زید

حاجی بیهقی می‌باشد (حسینی جلالی، ۱۴۲۱ق: ۱۱۴). مرتضی بن سraهنک خود از جمله منابع اجازه نهج البلاغه در یمن بود که عالمان زیدی یمن طرق خود در روایت نهج البلاغه را از طریق وی به سید رضی اسناد می‌دهند (ابراهیم بن قاسم، ۱۴۲۱ق: ۳/۱۲۲۵).

مجموعه مباحث فوق را اجازه المنصور بالله قاسم بن محمد در یازدهم ربیع الاول سال ۱۰۴۸ قمری تأیید می‌کند. در متن این اجازه آمده است: «أَجَزْتُه أَنْ يَرُوى عَنْى كِتَابَ نهج البلاغه لأمير المؤمنين - كرم الله وجهه - كما بلغنا ذلك بقراءة الشيخ ابى صالح به إلى السيد العالم المرتضى بن سraهنك المرعشى الواصل من الرى». (رحمتی، ۱۳۸۳ش: ۸۴).

همچنین در حاشیه آخرین صفحه نسخه‌های خطی که به نام «طاووس یمانی» به ایران آمده است، اجازه‌ای نوشته شده که بر سماع و قرائت نسخه نهج البلاغه توسط یمنی‌ها نزد مرتضی بن سraهنك جهت كسب اجازه نقل از او دلالت دارد. متن حاشیه صفحه پایانی نسخه خطی نهج البلاغه موجود در طاووس یمانی چنین است: «سمع هذا الكتاب المسمى بنهج البلاغة قراءة من أوله الى آخره الشيخ الفاضل الكامل منصور بن مسعود بن عباس وحضر السماع الفقيه السيد العالم سليمان بن شريح وأنا أنظر فى نسخة صحيحة معارضة بنسخه السيد الفاضل الشريف العالم شرف الدين شيخ العترة الطاهرة التى قرأتها عليه و هو المرتضى بن سraهنك الحسينى المرعشى و أجزت لهما رواية ذلك و لمن أجد من الاخوان أيد الله بهم الدين و كثرهم فى العالمين و كتب العبد الفقير الى رحمة الله أحمد بن محمد الأكوغ فى شهر الله الأصم رجب سنة سبع ثلاثين و ستمائة و الحمد لله ...» (رحمتی، ۱۳۸۳ش: ۸۲).

احمد بن محمد بن قاسم بن محمد بن ابراهيم حميرى معروف به «أكوع»، مشهور به «شعله»، نیز از جمله راویان نهج البلاغه در یمن بود. صاحب طبقات الزیدیه درباره او می‌نویسد: «قرأ فى كتب الأئمة و شيعتهم على شيخه محبى الدين محمد بن أحمد بن الوليد العيشمى، ما بين سماع و إجازة و مناولة، و كان بعض سماعاته على شيخه المذكور سنة أربع عشرة و ستمائة و له إجازة عامة من الفقيه أحمد بن أحمد أو زيد بن أحمد الحاجى القادم إلى حوث سنة عشر و ستمائة و من جملة ما أجاز له «نهج البلاغة» و «الإفادة فى تاريخ الأئمة السادة» و «سفينة الحاكم» و غيرها و كذلك أجاز له السيد المرتضى بن سraهنك جميع مروياته و إجازاته و مسموعاته منها «نهج البلاغة» و كتاب «أنساب الطالبية» (ابراهیم بن قاسم، ۱۴۲۱: ۱۹۶/۱).

درحقیقت اکوع با وجود اینکه از حاجی بیهقی نیز اجازه عامی داشته، متن نهج البلاغه را تنها بر مرعشی خوانده بود؛ به همین دلیل در اینجا تنها از او که خود از حاجی استفاده کرده بود، نام برده است. بدین ترتیب کتاب نهج البلاغه و اعلام سرخسی در یمن بیشتر به نام مرعشی پیوند خورده است.

مرتضی بن سراهنگ متن نهج البلاغه را از شیخ معین‌الدین احمد بن زید حاجی، به سند او از یحیی بن اسماعیل جوینی شنید و نیز متن شرح این کتاب یعنی اعلام الروایه علی نهج البلاغه را بر رکن‌الدین فیروزشاه جیلی و حسن بن مهدی بیهقی و احمد بن زید جامی قرائت کرد (ابراهیم بن قاسم، ۱۴۲۱: ۱۷۱/۳). در طبقات الزیدیه آمده: «قال مولانا الإمام المؤید بالله محمد بن القاسم: فی ذکر نهج البلاغه و أجل من أخذ علیه هذا الكتاب باليمن السيد المرتضی بن سراهنگ الواصل من بلاد العجم مهاجراً إلى الإمام المنصور بالله عبدالله بن حمزه و متجراً للجهاد بین یدیه، فوافی دیار اليمن و قد كان الإمام قبض فأخذ عنه أولاد المنصور بالله و شيعته هذا الكتاب و توفي هذا الشريف المذكور بظفار دار هجرته بعد أن خلطه أولاد المنصور بالله بأنفسهم و زوجه بنتاً للمنصور بالله و قبره جانب الجامع المقدس بحصن ظفار» (ابراهیم بن قاسم، ۱۴۲۱: ۱۶۰/۳؛ حسنی مؤیدی، ۱۴۱۴: ۵۵/۱؛ جحاف، ۱۴۲۲: ۱۱۸/۱).

شایان ذکر است آشنایی زیدیان یمن با نهج البلاغه از طریق کوفه را می‌توان از اجازه‌هایی اثبات کرد که یکی از زیدیان کوفی در این دوران برای یکی از سادات زیدی یمن به نام محمد بن عبدالله کوفی مَضَری (م.ح ۷۴۰ق) موسوم به غزال صادر کرده است. این اجازه که خود سندی بر وجود ارتباط زیدیان کوفه و یمن در اوایل سده هشتم نیز به شمار می‌رود، نشان می‌دهد شاگرد نزد استاد، بخشی از کتاب مفتاح العلوم سکاکي (م.د ۶۲۶ق) و نیز بخشی از نهج البلاغه را به قرائت آموخته بوده و استاد نیز اجازه روایت این دو کتاب را به او داده است. این اجازه به خط محمد بن عبدالله غزال، اکنون همراه نسخه‌ای کهن از قسم سوم کتاب مفتاح العلوم (بخش مربوط به معانی و بیان)، به خط شاگردی که اجازه برای او صادر شده، به کتابت ۷۲۸ ق در کتابخانه دولتی برلین به شماره گلازر ۸۰ موجود است. در این اجازه به روایتی از نهج البلاغه اشاره شده که ریشه آن به ابن شهر آشوب (۴۸۸-۵۸۸ق) و یکی از استادان جرجانی (گرگانی) او و از آن طریق به سید رضی می‌رسد. محمد بن عبدالله غزال، نهج البلاغه را بر اساس روایت مجدالدین

ابوالفضل عبدالله بن محمود بلدجی رومی موصلی حنفی مشهور به «ابن مودود» (م. ۶۸۳ق) در اختیار داشته است. اکنون نسخه‌ای از نهج البلاغه در کتابخانه مجلس (ساختمان سابق مجلس) در تهران موجود است.

۲. فعالیتهای علمی زیدیه در رابطه با نهج البلاغه

نهج البلاغه پژوهان زیدی، فعالیتهای علمی متفاوتی را در رابطه با کتاب شریف نهج البلاغه انجام داده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱-۲. اثبات جایگاه علمی ویژه برای مبدأ نهج البلاغه

از جمله مواردی که نشان از فعالیت علمی جدی زیدیان در رابطه با نهج البلاغه دارد، این است که مؤلفان و نهج البلاغه پژوهان زیدی اهتمام ویژه به دفع و رفع شبهه‌هایی دارند که تشکیک در صحت صدور الفاظ و مفاهیم نهج البلاغه از امیر مؤمنان امام علی علیه السلام دارد. در اندیشه نهج البلاغه پژوهان زیدی لفظ و معنای این کتاب مقدس از حضرت امام علی علیه السلام صادر شده است. بر این اساس، تشکیکات مطرح در مبدأ صدور این کتاب، بی‌پایه و اساس و بدون حجت و دلیل عقلی است. زیدیان بر این باورند که مفاد و مضامین نهج البلاغه نزد علما و دانش پژوهان پیش از سید رضی ثبت و محفوظ بوده است؛ به گونه‌ای که آنها از این کلام در مباحث و آموزش‌های علمی خود بهره می‌بردند. زیدیان تحریر کلام حضرت توسط حارث بن عبدالله اعور (م. ۶۵ق)، زید بن وهب ابوسلیمان جُهَنی کوفی (م. ۹۶ق) و پیش از آنها محمد عمر واقدی (م. ۲۰۷ق)، ابوالحسن مدائنی (م. ۲۲۵ق)، ابوعثمان عمرو بن جاحظ (م. ۲۵۵ق)، ابواسحاق ابراهیم ثقفی (م. ۲۸۳ق) و ابواحمد عزیز بن احمد جلودی بصری (م. ۳۳۲ق) که پیش از سید رضی به نوشتن سخنان حضرت اهتمام داشته‌اند را شاهی بر آن می‌دانند که متن و الفاظ نهج البلاغه از امیر مؤمنان علیه السلام بوده و سید رضی فقط به گردآوری و تدوین آن پرداخته است (طباطبایی، بی‌تا: ۲۶).

بخشی از شارحان زیدی نهج البلاغه ادعای تواتر در نسبت صدور کتاب به امام علی علیه السلام دارند (علوی، ۱۹۷۳م: ۱۷۷) و خاستگاه تواتر را نص قرآن می‌دانند. این دسته از شارحان کلام خود را به کلام صاحب الذریعه مستند می‌کنند؛ زیرا ایشان بر این باورند که «علت شهرت نهج البلاغه در شرق و غرب عالم، آن است که این کتاب مبدأ فرابشری داشته، از

منبع وحی الهی صادر شده است؛ از این رو نهج‌البلاغه برادر قرآن در تبلیغ و تعلیم است. نهج‌البلاغه دوی هر بیماری است. دستوراتش موجب سعادت دنیا و آخرت است؛ جز اینکه خداوند قرآن را بر قلب نبی ﷺ نازل کرد؛ اما نهج‌البلاغه را باب مدینه علم و حامل وحی الهی، امام علی علیه السلام بیان کرده است.» (جفاف، ۱۴۲۲ق: ۱۲۸/۱؛ تهرانی، ۱۴۰۳ق: ۱/۱۴).

امام زیدی، یحیی بن حمزه علوی (م ۷۴۵ق) که خود از شارحان نهج‌البلاغه است، در شرح حال امام علی علیه السلام می‌گوید: بخش اعظم سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام همان است که در نهج‌البلاغه گرد آمده است و این موضوع به تواتر نقل شده و همگی در صحت این قول اتفاق نظر دارند (علوی، ۱۹۷۳م: ۱۷۷؛ پاکتچی، بی‌تا: ۷۲).

۲-۲. اهتمام به گردآوری کلام امام علی علیه السلام از طریق غیر سید رضی

زیدیان پیش از سید رضی نیز به گردآوری کلام امام علی علیه السلام و بهره‌گیری از آن در مباحث فقهی، کلامی، تفسیری و ... مبادرت کرده و به اسناد سخنان آن حضرت پرداخته‌اند (گروهی، ۱۳۷۳: ۱۹۵؛ حسینی خطیب، ۱۴۰۹ق: ۲۴۸/۱ و صص ۳۱۳؛ امینی، ۱۳۶۶: ۱۶۴/۴-۱۶۹).

ابوطالب یحیی بن حسین هارونی ملقب به ناطق بالحق (م ۴۲۴ق) از جمله این مؤلفان است؛ او در کتاب *تیسیر المطالب فی أمالی ابوطالب* فارغ از کلماتی که سید رضی در نهج‌البلاغه گردآوری کرده، بخش عمده‌ای از کلام حضرت را با استناد مستقیم به حضرت، جمع و تدوین کرده است (هارونی، ۱۴۲۲ق: ۴۴).

باید افزود امام موفق بالله حسین بن اسماعیل جرجانی (م. حدود ۴۲۰ق) در کتاب *الاعتبار و سلوة العارفین* فراتر از ناطق بالحق، بخش عمده‌ای از کلام (اخلاقی) امام را مستند به حضرت نقل کرده است (ر.ک: جرجانی، ۱۴۳۱ق: ۳۹ به بعد) او در مواردی با ذکر طرق مختلف، کلام را به حضرت مستند می‌کرد. وی در دیباچه، علت نگارش کتاب را چنین یاد می‌کند: «فقد سألت أملاء مختصر فی المواعظ عن أشیات الناس و نبذ من فنون ما نقل عن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و أهل البیت علیهم السلام فأجبتک إلیه متوکلاً علیه واستمددت من فضله عون التسدید و نجح التوفیق فانه مجیب». از بیان مؤلف بر می‌آید که هدف اصلی او، برداشتن گامی در راستای جمع و تدوین مواعظ منقول از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است.

امام المرشد بالله یحیی بن حسین شجری (م ۴۷۹ق) نیز در کتاب *ألامالی الخمیسیه*

بخشی از کلام امام را با استناد به حضرت بیان کرده است (ر.ک: شجری، ۱۴۲۱ق، بخش عمده کتاب این گونه است؛ علوی، ۱۴۲۴ق: ۲۶-۲۷). شجری کتاب را در سه باب جداگانه بدین شرح تدوین کرده است:

۱. «باب فی کلمات النبی لأمر المؤمنین علیه السلام؛ ۲. «باب فیما واعظ الله به عیسی بن مریم»؛ ۳. «باب من حکمه و اشعاره علی علیه السلام».

به علاوه تأمل در اسناد کتاب نشان می دهد کتاب شجری، تخریجی از آثار کهن به روایت مشایخ او و از مؤلفان آن آثار همچون کتاب *الزواج و المواعظ* ابواحمد عسکری است (شجری، ۱۴۲۱ق: ۶۵۰؛ رحمتی، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۹).

حسن بن عبدالله بن اسماعیل بن زید بن حکیم مشهور به ابواحمد عسکری (م. ۳۸۲ق) از جمله عالمان و مؤلفان برجسته زیدی است که در دوره درخشش اقتصادی - سیاسی آل بویه زندگی می کرد. او در کتاب *الزواج و المواعظ* خود، سخنانی از حضرت امیر علیه السلام به ویژه وصیت نامه حضرت به فرزندش امام حسن علیه السلام را نقل کرده است که رضی الدین ابن طائوس در کتاب *المحجة لثمره المهجة* تفصیل چند سلسله سند در نقل وصیت نامه حضرت را از این کتاب نقل می کند. او در مقدمه کتاب تصریح می کند هدف از نوشتن کتاب، جمع آوری سخنان حضرت علی علیه السلام بوده است (رضی الدین علی بن موسی، ۱۴۱۷ق: ۲۱۸-۲۱۹).

۳-۲. اهتمام به نقل و استنساخ

روی آوری بسیاری از عالمان زیدی به روایت، قرائت، سماع، اجازت، استنساخ و مقابله نهج البلاغه از دیگر فعالیت های علمی آنان در رابطه با این کتاب به شمار می آید. این امر به گونه ای بود که دست نویس نهج البلاغه، پیش از پیدایش و رواج صنعت چاپ، از جمله پرتیراژترین کتاب ها نزد زیدیه یمن بوده است (جحاف، ۱۴۲۲ق: ۱۲۸/۱).

عنایت زیدیان به نهج البلاغه از اجازات صادره درباره نقل، استنساخ و... که از مشایخ آنها به طبقات محدثان و نهج البلاغه پژوهان پس از خود صادر کرده اند، آشکار می شود؛ زیرا سیره عالمان و محدثان سلف بر آن بود که پس از کسب اجازه علمی از استادان بزرگ خود، کتاب های حدیثی و متن آنها را قرائت، نقل، بازنویسی، مقابله یا مقایسه می کردند. نسخه برداران نیز با کسب اجازه، حق نسخه برداری از نهج البلاغه را داشته اند و در غیر این صورت نسخه آنها قابل اعتماد نبوده است. تثبیت این امر در سیره عالمان زیدی،

دلیلی بر اهتمام آنان به حفظ کلام حضرت است. نمونه زیر از جمله این اجازات است: عمرو بن جمیل نه‌دی زیدی (م ۶۰۶ق) از جمله سلسله اسناد نهج البلاغه در زیدیه است که در مدرسه یحیی بن اسماعیل علوی نیشابوری از حسین بن احمد بن علی بن احمد حسین جوینی، اجازه روایت دریافت کرده است (ر.ک: ابراهیم بن قاسم، ۱۴۲۱ق: ۸۴۰/۳-۸۴۲).

در مجموعه اجازات قاضی احمد بن سعدالدین مسوری (۱۰۷-۱۰۷۹ق) آمده است که اجازه نهج البلاغه و «خطبة الوداع» (که مرگ توفیق نگارش کتاب را به مؤلف نداد) از جمله اجازاتی است که به جمیل نه‌دی داده است. این دو کتاب در شهر شاذی‌اخ از توابع نیشابور که امروزه از توابع خراسان است، در مدرسه صدر بن مقدم بن محمد واسطی موجود است. (همان: ۱۲۰۹-۱۲۱۰؛ جحاف، ۱۴۲۲ق: ۱۱۷/۱؛ سمعانی: ۳۷۲/۳-۳۷۳).

عمرو بن جمیل نه‌دی درباره اجازتهای که از یحیی بن اسماعیل علوی نیشابوری، راوی نهج البلاغه در نیشابور داشته، می‌گوید: «ولقد استفدنا منه شیئاً آخر ما لم نستفد من غیره، وکان اتفاق ما أثبتته - رضی الله عنه و أرضاه - من کتبه لهذه الإجازة فی آخر یوم الاثنین لأواخر ذی القعدة سنة ستمائة بظاهر شاذی‌اخ بنیسا‌بور فی خانقاه القباب...».

افزون بر مطالب گذشته، از او نقل شده: «قرأت ... (نهج البلاغه) فی مدرسه شیخی المذکور فی الصفة الشرقة، فی شهر رمضان سنة ستمائة بقرائة الإمام الأجل أحمد بن زید بن علی بن الحاجی البیهقی بحضور سید النحاه سالم بن أحمد بن سالم البغدادی و الشیخ الحسین بن محمد الواسطی...».

۲-۴. تألیف شروح

زیدیان از آغاز آشنایی خود با نهج البلاغه به تدوین شروحي بر آن همت گماشتند. وجود شارحان و تألیف و تدوین شروح فراوان در زیدیه، شاهدهی بر فعالیت علمی گسترده آنان نسبت به این کتاب شریف می‌باشد (گروهی، ۱۳۷۳: ۱۸۴؛ علوی، ۱۴۲۴ق: ۲۷). در ادامه به برخی از مهم‌ترین شروح زیدی نهج البلاغه اشاره می‌شود:

۱. معارج نهج البلاغه

یکی از شروح کهن نهج البلاغه، شرحی است به نام معارج نهج البلاغه که ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی (۴۴۹-۵۶۶ق) مشهور به «فرید خراسانی» و «ابن فندوق» در سال ۵۵۲ق به انجام رسانده است. او از فقها و متکلمان قرن ششم نیشابور و استاد ابن شهر آشوب

(۵۸۸ق) است. او در کتاب خود از شرح وبری (نخستین شارح ایرانی نهج البلاغه) نقل قول می‌کند و ظاهراً با او معاصر بوده است. بیهقی در ابتدای شرح خود متذکر می‌گردد که نهج البلاغه را نزد حسن بن یعقوب بن احمد قاری در سال ۵۱۶ قمری قرائت کرده و حسن بن یعقوب نیز نهج البلاغه را به سماع از جعفر بن محمد دوریستی (م. ۴۷۴ق) به روایت محمد بن همام بغدادی از سید رضی روایت کرده است (اسعد طیب، ۱۴۲۲: ۹۵). بر اساس نسخه‌های خطی موجود از نهج البلاغه به کتابت پدر حسن بن یعقوب، یعقوب بن احمد، می‌دانیم که عالمان نیشابوری با این کتاب آشنا بوده‌اند. بیهقی این شرح را در دو مجلد نگاشت و طبق گزارش فصیح خوافی در کتاب مجمل فصیحی در سال ۵۴۸ قمری در بیهق در گذشت و در جنوب شهرستان سبزوار، غرب ششتمد به خاک سپرده شد (احمد خوافی، ۱۳۸۶، ۱۲۳/۲).

۲. أعلام الروایه علی نهج البلاغه

از دیگر شروح کهن بر نهج البلاغه، شرحی به نام أعلام الروایه علی نهج البلاغه می‌باشد که به توسط صدرالدین علی بن ناصر حسینی سرخسی (۶۲۰ق) نگاشته شده است. او از متکلمان قرن ششم و معاصر فخر رازی بوده است. هدف مولف در این شرح که به زبان عربی نگاشته شده است، حل مشکلات و تفسیر معضلات و بازگشودن گره‌ها و نیز توضیح کلمات حضرت علی علیه السلام در زمینه توحید و امامت و... بوده است. این شرح به تحقیق محقق گرانقدر، شیخ عزیز الله عطاردی با عنوان أعلام نهج البلاغه در ایران به چاپ رسیده است (رحمتی، ۱۳۸۲ش: ۸۴-۸۸).

دو عالم زیدی که علاوه بر روایت کتاب نهج البلاغه، این شرح را روایت کرده‌اند، عبارتند از:

الف) عمرو بن جمیل نهدی (۶۰۶ق) از شاگردان یحیی بن اسماعیل حسینی که در سال ۵۹۸ قمری اجازه روایت نهج البلاغه را در محله شادیاخ نیشابور در مدرسه یحیی بن اسماعیل از استادش اخذ کرد (ابراهیم بن قاسم، ۱۴۲۱ق: ۸۴۰/۲).

ب) احمد بن زید جامی بیهقی برونقی، عالم و محدث ایرانی زیدی شاگرد دیگر یحیی بن اسماعیل حسینی (ابراهیم بن قاسم، ۱۴۲۱ق: ۱۰۳/۱)

یکی از شاگردان علی بن ناصر سرخسی که متن *أعلام نهج البلاغه* را بر او قرائت کرده، معین‌الدین احمد بن زیاد الحاجی می‌باشد. او در سال ۶۰ قمری به یمن مسافرت می‌کند و اجازه نقل *أعلام نهج البلاغه* را به احمد بن محمد اکوع معروف به «شعله» می‌دهد. (ابراهیم

بن قاسم، ۱۴۲۱ق: ۵۱۱، ۵۳۶، ۵۲۹، ۹۳/۳). امروز کهن‌ترین نسخه/علام (مورخ ۶۳۵) در یمن موجود است.

۳. الدیاج الوضی فی الکشف عن أسرار الوصی

نویسنده *الدیاج الوضی* عالم نامدار زیدیه المؤید بالله یحیی بن حمزة بن علی (۶۶۹-۷۴۹ق) است که مولف، در اساس آن را بر دیگران املا کرده است. روش کار مولف به این گونه می‌باشد که سخنان حضرت را به پاره‌های دو یا سه کلمه‌ای تقسیم و سپس شرح نموده است.

الدیاج الوضی شرحی جامع با رویکرد ادبی است. از سخنان مولف در مقدمه می‌توان دریافت که هدف مولف از نگارش، معرفی امیرمومنان و جایگاه علمی آن حضرت به ویژه در سخنوری، عرضه بسته معرفتی پرباری از اندرز و حکمت و الهیات و سخنان نغز به مخاطب، و برخورداری از پاداش الهی این خدمت، کمک به احیای دوباره این میراث ارزشمند که در دوره یحیی بن حمزه مورد بی‌مهری واقع شده و به سبب دشواری الفاظ و باریکی معانی، از اقبال مردم کاسته شده، می‌باشد.

الدیاج رابطه مستقیمی با *علام نهج البلاغه* دارد و اگر بگوییم اساساً ناظر به کتاب *علام* است سخن بی‌راهی نگفته‌ایم. در این شرح به فراوانی، ضمن تصریح به نام سرخسی، سخنانی از شرح *نهج البلاغه* او نقل شده است.

از جمله منابع این شرح که نویسنده از آنها نام می‌برد می‌توان به *سیره ابن هشام*، *علام نهج البلاغه*، *فضائل بیهقی* و *کشاف زمخشری* اشاره کرد. مولف در حوزه لغت اغلب اقوال را به نویسندگان لغت‌نامه‌ها - و نه آثارشان - ارجاع می‌دهد و مثلاً می‌گوید: «قال ابو عیبه» یا «قال ابن السکیت» یا «قال الأخفش» (علوی، ۱۴۲۴ق: ۳۵).

۳. تأثیرات نهج البلاغه در تراث علمی زیدیه

نهج البلاغه پژوهان زیدی در موارد گوناگون، این کتاب را کانون توجه خود قرار داده‌اند که نشان از جایگاه و منزلت والای آن می‌باشد. در ادامه برخی از آنها را بیان می‌کنیم.

۱-۳. الگوپردازی در مبانی ادبی و بلاغی

در اندیشه محققان زیدی *نهج البلاغه*، این کتاب در اوج قله بلاغت و فصاحت است. به بیان صاحب *نزهة الأبصار*، از نظر بلاغت تاکنون اثری در حد این کتاب از متقدمان و متأخران

به جامعه مسلمانان عرضه نشده است؛ زیرا کلام حضرت دارای سبک، نظم، بیان و... نیکو و زیبایی است و شاید بتوان گفت کلام حضرت در حد سحر است (مامطیری، ۱۴۳۰ق: ۹). او می‌افزاید: «زیدیه دو امر را خاستگاه تبلور صفات عالی در کلام امیرالمؤمنان علیه السلام می‌دانند: اولاً حضرت از شخصیت قرآنی بهره‌مند بوده است؛ ثانیاً: حضرت در سایه سار ادب نبوی تربیت شده است» (همان، ص ۸).

صاحب کتاب *البروج* که از علمای زیدی اواخر قرن هشت و اوایل قرن نهم هجری است، از جمله اوصافی که برای حضرت بر می‌شمرد، صفت بلیغ است. او در بیان و اثبات این نام برای حضرت، نهج البلاغه را مؤید کلام خود قرار می‌دهد و از بیان سید رضی در توصیف نهج البلاغه بهره می‌برد؛ و می‌افزاید: «حضرت امام الفصحا و سیدالبغا است؛ به گونه‌ای که گفته شده است: کلام حضرت پایین‌تر از کلام خالق و بالاتر از کلام مخلوق است» (ابن‌وزیر، ۱۴۲۹ق: ۵۳).

۲-۳. بهره‌وری از کلام حضرت و نهج البلاغه در استنباطات فقهی

زیدیان نهج البلاغه را از جمله منابع روایی فقه خود می‌دانند. ابوالحسن علی بن مهدی مامطیری (حدود ۲۸۰-۳۶۰ق) نخستین فقهی است که سخنان فقهی حضرت را گردآوری کرده است. پس از او ابی‌عبدالله علوی (۳۶۷ق) کتاب *الجامع الکافی* را که دربردارنده کلام و روایات فقهی منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام است، تألیف کرده است. این دو کتاب که دربردارنده بخش عمده از سخنان حضرت در نهج البلاغه هستند، از زمان نگارش تا کنون، منبع قابل استفاده‌ای برای فقه‌های زیدی بوده‌اند.

۳-۳. بهره‌وری از کلام حضرت و نهج البلاغه در علم اخلاق

علمای اخلاق زیدی، کلام حضرت را مستند نظرات اخلاقی خود قرار می‌دهند. بر این اساس روایات بسیاری از حضرت در اخلاق جمع‌آوری شده است. این تلاش در کتاب *نزهة الأبصار ومحاسن الآثار*، تألیف ابوالحسن علی بن مهدی طبری مامطیری (م. قرن ۴) با درخشش بیشتری خودنمایی می‌کند. مامطیری به تدوین برخی از سخنان اخلاقی علی علیه السلام در این اثر تأکید دارد (بر فرض صحت این سخن که مؤلف این اثر مذهب اشعری دارد)؛ اما اهمیت آن از این جهت است که این کتاب از جمله مصادر ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (م. ۴۲۴ق) در *تیسیر المطالب فی أمالی ابی طالب و ابن شهر آشوب* (م. ۵۸۳ق) در *مناقب آل ابی طالب* است.

افزون بر آنکه حسین بن اسماعیل جرجانی در کتاب *الإعتبار وسلوة العارفين* نیز از نزهة الأبصار ومحاسن الآثار بهره برده است (رحمتی، ۱۳۸۸ ش: ۴۷-۴۹).

۴-۳. تمسک به نهج البلاغه در مباحث کلامی

متکلمان زیدی چون امام یحیی بن حسین هارونی (۳۴۰-۴۲۴ق) و المرشد بالله یحیی بن حسین (۴۱۲-۴۷۹ق) در مباحث استدلالی و احتجاجات کلامی خود، پس از قرآن، از نهج البلاغه بهره می‌برند. این روش در سیر تطور این فرقه محفوظ مانده است. برای نمونه یحیی بن حمزه علوی (۶۶۹-۷۴۵ق) در نمط چهارم کتاب *مشکاة الأنوار الهادمة لقواعد الباطنية الأشرار* که رد بر تأویل گرایی اسماعیلیه است، پس از احتجاجات قرآنی به کلام امام علی علیه السلام در نهج البلاغه تمسک می‌کند (علوی، ۱۹۷۳م: ۱۷۷).

در آثار علمای معاصر زیدی نیز این روش محسوس است. شاهد این مدعا آن است که صاحب کتاب *النزهة الأبصار ومحاسن الآثار*، نهج البلاغه را کتابی می‌داند که ناظر به شبهه‌های کلامی مطرح در زمان امیرمؤمنان علیه السلام بوده و تا زمان ما استمرار یافته است. به بیان مؤلف، حضرت در نهج البلاغه شبهه‌ها را به روش علمی و استدلالی - نه جدلی - مورد مناقشه قرار داده است؛ به گونه‌ای که انسان را به دستیابی مبانی اعتقادی شیعه رهنمون می‌کند؛ از این رو در اعصار گوناگون، تراث مسلمانان، سرشار از کلام حضرت است که در مواقع مختلف بیان فرموده است (مامطیری، ۱۴۳۰ق: ۸).

۵-۳. بهره‌گیری از احادیث نهج البلاغه در مجموعه‌های حدیثی

کلام امیرالمؤمنین علیه السلام مورد توجه حدیث‌نگاران زیدی نیز بوده است. تألیف کتاب‌های *مسند امام زید* از زید بن علی (۱۲۲ق)، *أمالی احمد بن عیسی* (۲۴۷ق)، *أمالی ابی طالب یحیی بن حسین هارونی* (۴۲۴ق)، *درر الأحادیث النبویه* از عبدالله بن محمد ابی‌نجم (۶۴۷ق) و *أمالی المرشد بالله یحیی بن حسن* (۴۹۹ق) که سرشار از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام و بیانات حضرت در نهج البلاغه است، شاهی بر این مدعا هستند. (هارونی، ۱۴۲۲ق: مقدمه، ص «ب»).

نتیجه‌گیری

زیدیان از بدو شکل‌گیری در کوفه، از طریق همزیستی با شیعیان آن بلاد و امامان معصوم علیهم السلام با کلام حضرت علی علیه السلام آشنا شدند. اما علل آشنایی زیدیان ایران با کلام

حضرت علی علیه السلام مهاجرت زیدیه از عراق به ایران، اقامت آنان در ری و خراسان، تشکیل حکومت در دیلم در نیمه قرن سوم و حاکمیت تفکر شیعی در این مناطق، همزیستی آنان از ابتدا با شیعیان و همجواری آنان با عالمان امامیه می‌باشد. در مورد زیدیان یمن باید گفت آشنایی آنان با نهج البلاغه از طریق مهاجرت علمای زیدی نهج البلاغه‌پژوه و روایت نهج البلاغه توسط این علما در یمن و همچنین اطلاع پیدا کردن آنان از نسخه‌های نیشابوری نهج البلاغه می‌باشد. به گونه‌ای که امروزه کشور یمن منبع شایان توجهی برای شناخت نسخه‌های کهن نهج البلاغه به شمار می‌رود.

نهج البلاغه‌پژوهان زیدی، خدمات علمی قابل توجهی را در رابطه با کتاب شریف نهج البلاغه انجام داده‌اند. اثبات جایگاه علمی ویژه برای مبدأ نهج البلاغه، اهتمام به گردآوری کلام امام علی علیه السلام از طریق غیر سید رضی، اهتمام به نقل و استنساخ و تألیف شروح از جمله فعالیت‌های علمی آنان نسبت به نهج البلاغه است.

سخنان امیرمؤمنان امام علی علیه السلام به‌ویژه نهج البلاغه از منزلت و جایگاه والایی نزد زیدیه برخوردار است؛ از این رو این اثر نفیس در اعصار گوناگون، تأثیرات فراوانی بر تراث علمی زیدیان داشته است، که مهمترین آن‌ها عبارتند از: الگو برداری در منابع ادبی و بلاغی، بهره‌وری از کلام حضرت و نهج البلاغه در استنباطات فقهی، بهره‌وری از کلام حضرت و نهج البلاغه در علم اخلاق، تمسک به نهج البلاغه در مباحث کلامی، بهره‌گیری از احادیث نهج البلاغه در مجموعه‌های حدیثی از جمله شواهد و ادله جایگاه نهج البلاغه نزد زیدیان و تأثیر آن در تراث زیدی می‌باشد.

فهرست منابع

کتاب‌ها

۱. ابراهیم بن قاسم، (۱۴۲۱ق)، *طبقات الزیدیه الکبری*، تحقیق: عبدالسلام بن عباس الوجیه، عمان: مؤسسة الامام زید بن علی الثقافه.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید هبه‌الله، (۱۴۱۵ق)، *شرح نهج‌البلاغه*، تحقیق: ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. ابن‌وزیر، هادی بن ابراهیم، (۱۴۲۹ق)، *البروج فی أسماء امیرالمؤمنین علیّه*، تحقیق: محمد اسلامی یزدی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۴. افندی، میرزا عبدالله، (۱۴۰۱ق)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، به اهتمام سید محمود مرعشی، قم: چاپ خیام.
۵. امینی، عبدالحسین، (۱۳۶۶)، *الغدير فی الكتاب والسنة والادب*، تهران: دار الکتب الاسلامی.
۶. بیهقی، قطب‌الدین کیدری، (۱۴۱۶ق)، *حداث‌الحقائق فی شرح نهج‌البلاغه*، تحقیق: عزیزالله عطاردی، قم: اعتماد.
۷. بیهقی، علی بن زید، (۱۴۲۲ق)، *معارض نهج‌البلاغه*، تحقیق: اسعد طیب، قم: بوستان کتاب.
۸. پاکتچی، احمد، (بی‌تا)، *اسناد نهج‌البلاغه*، نسخه دست‌نوشته، موجود در کتابخانه دانشگاه ادیان و مذاهب، به شماره ۲۰۱۷۶.
۹. تهرانی، آقابزرگ، (۱۴۰۳ق)، *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*، بیروت: دار الاضواء.
۱۰. جحاف، یحیی بن ابراهیم، (۱۴۲۲ق)، *إرشاد المؤمنین إلی معرفة نهج‌البلاغه المبین*، مقدمه: سیدمحمدحسین حسینی جلالی، تحقیق: محمدجواد حسینی جلالی، قم: دلیل‌ما.
۱۱. جرجانی، حسین بن اسماعیل، (۱۴۳۱ق)، *الإعتبار و سلوة العارفين*، تصحیح: عبدالسلام عباس الوجیه، عمان: مؤسسة الامام زید بن علی الثقافیه.
۱۲. حسنی مؤیدی، مجدالدین بن محمد بن منصور، (۱۴۱۴ق)، *لوامع الأنوار فی جوامع العلوم والآثار وتراجم أولی العلم والأنظار*، صعه: مکتبه التراث الاسلامی.
۱۳. حسینی جلالی، سیدمحمدحسین، (۱۴۲۱ق)، *دراسة حول نهج‌البلاغه*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۴. حسینی خطیب، عبدالزهرا، (۱۴۰۹ق)، *مصادر نهج‌البلاغه و أسانیده*، بیروت: دارالزهرا(س).
۱۵. خوافی، احمد، (۱۳۸۶)، *مجمل فصیحی*، تهران: اساطیر، جلد ۲.
۱۶. _____، (۱۳۸۸)، *مقالاتی در تاریخ زیدیه و امامیه*، ج ۱، تهران: انتشارات بصیرت.
۱۷. رضی‌الدین علی بن موسی، (۱۴۱۷ق)، *کشف المحجته لثمره المهجته*، تحقیق: محمد الحسون، قم: احتجاج.

۱۸. سمعانی، عبدالکریم بن محمد، (۱۴۰۸ق)، *الأنساب*، تقديم و تعليق: عبدالله عمر البارودی، بیروت: دار الجنان.
۱۹. شجری، یحیی بن حسین، (۱۴۲۱ق)، *الإعتبار و سلوة العارفين*، تحقیق: عبدالسلام الوجیه، عمان: مؤسسة زید بن علی الثقافه.
۲۰. شوکانی، محمد بن علی، (ق ۱۴۲۰)، *إتحاف الأكابر بأسناد الدفاتر*، بیروت: خلیل بن عثمان.
۲۱. علوی حسینی، یحیی بن حمزه، (۱۴۲۴ق)، *الدیاج الوضی فی الكشف عن اسرار الوصی*، صنعاء: مؤسسة الامام زید بن علی الثقافه.
۲۲. _____ (۱۹۷۳م)، *مشکاة الانوار الهادمة لقواعد الباطنية الأشرار*، تحقیق: محمد سیدجلیند، قاهره: دار الفكر الحديث.
۲۳. گروهی از نویسندگان، (۱۳۷۳)، *نهج البلاغه و گرد آورنده آن*، قم: بنیاد نهج البلاغه.
۲۴. مامطیری، ابوالحسن علی بن مهدی، (۱۴۳۰ق)، *نزهة الأبصار ومحاسن الآثار*، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران: المجمع العالمی لتقريب المذاهب.
۲۵. محلی، حمید بن احمد، (۱۴۲۱ق)، *الحدائق الوردية فی مناقب الأئمة الزيدية*، صنعاء: مطبوعات مكتبة البدر.
۲۶. مرعشی، میرظهرالدین، (۱۳۶۴ش)، *تاریخ گیلان و دیلمستان*، تصحیح: منوچهر ستوده، تهران: انتشارات اطلاعات.
۲۷. هارونی، یحیی بن حسین بن هارون بن حسین بن محمد، (۱۴۲۲ق)، *تيسير المطالب فی أمالی أبي طالب*، تحقیق: عبدالله حمود العزی، عمان: مؤسسة الامام زید بن علی الثقافیه.

مقالات

۱. رحمتی، محمد کاظم، (۱۳۸۲)، *نویافته های درباره نهج البلاغه*، کتاب ماه دین، ۸۴/۶۸-۸۸.
۲. _____، (۱۳۸۳)، *نسخه های نیشابوری نهج البلاغه*، کتاب ماه دین، ۸۲/۳۴-۳۷.
۳. طباطبایی، سید عبدالعزیز، (بی تا)، *المتبقي من خطوط نهج البلاغه حتى نهايه القرن الثامن*، مجله تراثنا، ۵.